

در نگاه عدالت محور ملاک باید استعدادها باشد

اشاره:

به مناسبت هفته معلم و شهادت استاد مطهری سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ مسئولان وزارت آموزش و پرورش به همراه معلمان برگزیده کشوری دیداری صمیمی با رهبر معظم انقلاب داشتند. در این دیدار ابتدا عده‌ای از همکاران آموزش و پرورش دیدگاههای خود را در ارتباط با مسائل آموزشی و پرورشی اعلام نمودند و در انتهای این جلسه رهبر معظم انقلاب نکاتی را مطرح فرمودند.



بسم الله الرحمن الرحيم

این جلسه، جلسه بسیار خوبی بود. مطالبی که تاکنون دوستان بیان کردند، مطالب کارشناسی بود، خود شما معلمید و در دقایق کار آموزش و پرورش وارد هستید، مطلع‌اید و نظراتتان برای امتثال ما حجت است.

من مواردی از بیانات دوستان را یادداشت کردم، البته بعضی تکرار حرفهایی بود که خیلی‌ها زده بودند و این تأکید می‌کرد بر اهمیت نکاتی که مورد نظر شما دوستان بود. اینها انشاءالله بخشی به عهده وزیر محترم و مدیران عالی وزارتخانه است که اینجا حضور دارند، بعضی که فراتر از حوزه کار و تواناییهای وزارت آموزش و پرورش است، به عهده دستگاه دولتی است و آنچه را که ما باید در این زمینه سفارش کنیم و تأکید کنیم، به توفیق الهی خواهیم کرد.

□ سنگ بنای آینده

آنچه که مهم است و همه شما به آن توجه دارید و در بیانات دوستان تکرار شد این است که «آموزش و پرورش سنگ بنای آینده کشور است». ما اگر مشکلاتی در زمینه اخلاقی و رفتاری، در زمینه علمی، در زمینه اعتماد به نفس ملی و عمومی و در زمینه‌های گوناگون دیگر داریم، در ریشه‌کاوای اینها به آموزش و پرورش می‌رسیم. همان‌طور که بعضی دوستان گفتند، آموزش و پرورش از مراکز دیربازده است، لکن بازده آموزش و پرورش یک بازده حیاتی و ماندگار است. آموزش و پرورش در یک کشور اگر ارتقاء پیدا کند و اصلاح شود، در اقتصاد، در سلامت و بهداشت، در محیط زیست، در مرگ و میر، در باروری، در زیبایی و هنر، در رفتارهای گوناگون مردم در سطح جامعه با یکدیگر، و فراتر از همه اینها در «دین» در «فلسفه» و «اخلاق» تأثیر خواهد گذاشت.

امروز در دنیا به زبان کودکی به کودکان «فلسفه» می‌آموزند، یعنی چیزی که از نظر بعضی از طراحان کشور ما بی معنی است و فکر می‌کنند فلسفه برای آدم‌هایی است که یک سنی از آنها گذشته باشد. نگاه مدرن به مسائل حیات، امروز پیشروان علمی دنیا را به اینجا رسانده است که فلسفه را باید از دوره دبستان به کودکان تعلیم داد؛ البته به زبان کودکی. این را به عنوان یک مثال برای روشن شدن این مطلب عرض کردم - که برای شما روشن هم هست - که چقدر می‌تواند آموزش و پرورش در آینده یک کشور اثر بگذارد.

□ جایگاه علم

امروز «اقتصاد مبتنی بر علم»، «سیاست مبتنی بر علم» و «جامعه علم محور»، جزء شعارهای امروز دنیاست. ما اگر بخواهیم از قافله حرکت جهانی عقب نمانیم و فراتر از آن، اگر بخواهیم نقش تعیین‌کننده و پیشرونده و پیشبرنده ایفا کنیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه نگاه بنیانی و اساسی به آموزش و پرورش بیندازیم.

□ عدالت آموزشی

در زمینه «عدالت» هم همین‌طور است، ما اگر - بعضی از دوستان اشاره کردند عدالت در آموزش و پرورش - در مدیریت آموزش و پرورش به مسئله «عدالت» توجه کنیم، نتیجه این خواهد شد که در آینده کشور «عدالت نسبی» بین قشرها و مناطق کشور برقرار خواهد شد. اگر ما امروز در آموزش و پرورش «نگاه عدالت محور» نداشته باشیم، نتیجه این خواهد شد که اختلاف طبقاتی در آینده کشور روز به روز بیشتر خواهد شد. تأثیرات آموزش و پرورش را ببینید، «نگاه غیر عدالت محور» این است که

ما در کشور مدارس پیشرفته و مجهز به بهترین تجهیزات در یک جاهایی و مدارس محروم و کپری یا شبیه کپری در یک مناطق دیگر داشته باشیم. معلم ممتاز برجسته برای تعدادی از مدارس، و معلمان خسته یا کم سواد برای تعدادی دیگر از مدارس داشته باشیم. این درست ضد نگاه عدالت محور است. نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه اینکه جمعی از کودکان امروز ما بدون هیچ دلیلی جز اینکه یا پول دارند یا در یک منطقه برخوردار زندگی می کنند، از عالی ترین تحصیلات برخوردار خواهند شد و یک عده دیگری در سطوح بسیار پایینی خواهند ماند، پیش نخواهند رفت و استعدادهایشان رشد نخواهد کرد.

□ ملاک باید استعداد باشد

البته «عدالت» به معنای این نیست که ما با همه استعدادها با یک شیوه برخورد کنیم، نه، استعدادها بالاخره مختلف است، نباید بگذاریم استعدادی ضایع شود و برای پرورش استعدادها بایستی تدبیر بیاندیشیم؛ در این تردیدی نیست. اما «ملاک باید استعدادها باشد و لاغیر، عدالت این است». پس بنابراین نتیجه این شد که آموزش و پرورش آن قاعده اساسی - به قول معمارها و بناها آن فونداسیون اساسی - برای بنای رفیعی است که ما می خواهیم برای کشورمان در آینده داشته باشیم.

□ عقب نگه داشتن

این واقعیتی است که ما را دهها سال عقب نگه داشته اند. این یک واقعیت است و این دهها سال، تصادفاً در دورانی بوده است که دوران شکوفایی و پیشرفت علمی بوده است. ما بدون اینکه بخواهیم و بدون اینکه اراده ای داشته باشیم، دهها سال از اواخر دوران قاجار تا تمام دوران پهلوی ما را عقب نگه داشته اند. ما امروز باید عرق بریزیم، تلاش کنیم، همه توانمان را مصرف کنیم، تا این فاصله را، تا آنجایی که ممکن است کم کنیم. اعتقاد بنده براساس تجربه و نگاههای علمی کارشناسانی که در این زمینه ها نظر داده اند، این است که «می توانیم». این چیزی نیست که ممکن نباشد. در سنن الهی، در قوانین آفرینش، راههای میان بر فراوانی است؛ هنر این است که این راه میان بر را کسی پیدا کند. می توانیم، منتها تلاش لازم دارد.

□ مهم ترین دستگاه مولد

با این مقدمه آنچه که ثابت می شود، حرفی است که شما برادرها و خواهرها گفتید و بنده هم عمقاً به این حرف معتقدم که آموزش و پرورش «مهم ترین دستگاه مولد» ماست؛ دستگاه مولد، نه یک دستگاه مصرف کننده. ما بایستی برای آموزش و پرورش مایه بگذاریم این مایه گذاشتن فقط پول نیست. پول

جزو مایه‌هایی است که باید گذاشت؛ مهم‌تر از پول «فکر» است. بهترین و برجسته‌ترین فکرها باید بنشینند برای آموزش و پرورش طراحی کنند. فلسفه آموزش و پرورش اسلامی باید واضح باشد؛ براساس این فلسفه، افق آینده آموزش و پرورش کشور روشن باشد؛ معلوم باشد ما دنبال چه هستیم و کجایمی خواهیم برویم و براساس آن، خط‌کشی شود، برنامه‌ریزی شود و راهها مشخص شود؛ ما به این نیاز داریم. آموزش و پرورش باید از روزمره‌گی بیرون بیاید. این اساس حرف است. مخاطب این حرف در درجه اول، وزیر محترم و مسئولان عالی آموزش و پرورش است و سپس همه کسانی که در سلسله مراتب آموزش و پرورش می‌توانند در هر نقطه‌ای، در خارج کردن آموزش و پرورش از حالت روزمره‌گی و اسارت در چارچوب روشهای متحجر و منسوخ تأثیری بگذارند.

□ امور پرورشی

من دو سه تا نکته کوتاه هم اینجا عرض کنم: یکی مسئله «پرورشی» است. «معاونت پرورشی» یا مرکز پرورشی، به هر شکلی، ساماندهی آن به عهده خود مسئولین محترم است. به این معنا مورد کم‌اعتنایی واقع شد، به آن بی‌اعتنایی شد. آن روزی که معاونت‌های پرورشی را از سطوح مختلف حذف کردند، بنده صریحاً با این کار مخالفت کردم. به من هم نگفتند که بنا ندارند این حرف را گوش نکنند، اما گوش نکردند. مهم‌ترین کاری که باید امروز در کنار آن قاعده‌سازی انجام بگیرد، این است که به مقوله «پرورش» به هر شکلی باید اهمیت داده شود. نه چون ما مسلمان هستیم، مسئله فقط این نیست. امروز در دنیای غرب، از لحاظ دانش و فناوری پیشرفته، مسئله پرورش در بسیاری از کشورها جزو مبانی اصلی است؛ مسئول و مأمور پرورش وجود دارد و به پرورش اهمیت می‌دهند. پرورش فقط دین‌دار شدن و عمق ایمان یافتن نیست که ما دنبالش هستیم. پرورش تأثیر خود را در رفتارها، در برخوردها، رشد شخصیت، تقویت اعتماد به نفس، و جوشاندن چشمه استعداد نشان می‌دهد، بنابراین مسئله پرورشی مسئله مهمی است.

□ آموزش قرآن

مسئله دیگری که من به عنوان یک نکته می‌خواهم عرض کنم «مسئله قرآن در آموزش و پرورش» است. قرآن در آموزش و پرورش حقیقتاً محجور واقع شده است. یک وقتی - چند سال قبل از این - یکی از روحانیون محترم و مطلع از بسیاری از مسائل تبلیغی، یک نکته‌ای را به من گفت و من دقت کردم دیدم درست است و با تجربه‌های خود من هم کاملاً سازگار است. ایشان گفت که من در کشورهای اسلامی و عمدتاً کشورهای عربی، با روشنفکرهایی برخورد می‌کنم - حتی روشنفکرهایی

که اهل دین و دین‌داری نیستند- و می‌بینم اینها با «قرآن» آشنا هستند، اما روشنفکرهای کشور خودمان را که نگاه می‌کنم - غیر از روشنفکران دینی که حالا یک عده ای هستند، روشنفکرهای دینی هستند، کم هم نیستند و بحمدالله بیشتر هم شده‌اند که اینها خوب با مفاهیم اسلامی و قرآن آشنا هستند- قرآن اصلاً آشنا نیستند، مفاهیم قرآنی را نمی‌دانند، اما در کشورهای عربی می‌دانند. این نکته را آن آقا به من گفت. من دیدم راست می‌گوید. ما با این سیاستمداران، نخبگان سیاسی، نخبگان فرهنگی و روشنفکری کشورهای عرب از سالهای متمادی قبل تا امروز ارتباط داشته‌ایم. اینها در حرفهایشان، گفته‌هایشان از آیات قرآن استفاده می‌کنند؛ مثل اینکه ما در حرفهایمان از شعر استفاده می‌کنیم، همه مردم «توانا بود هر که دانا بود» را بلد هستند. از اشعار سعدی و حافظ در محاورات خودمان، در سیاست، در مسائل گوناگون، در اظهار نظرهای روشنفکری استفاده می‌کنیم. آنها از «قرآن» به همین جور استفاده می‌کنند، ما نه. علت این است که در دورانی طولانی، قرآن در آموزش و پرورش ما، به خصوص از آن سنین یادگیری محجور بوده و اصلاً وجود نداشته - آن قدیم زمان کودکی ما یک چیزهای مختصری بود، بعد به تدریج کم شد، و حذف شد - بعد از پیروزی انقلاب توقع این بود که یک کار کارستانی انجام بگیرد. کارهایی هم شده است، لکن جای حضور قرآن در دوره‌های گوناگون چه دبستان، چه دبیرستان، چه راهنمایی، واقعاً خالی است. باید فکر شود؛ نه «به شکل تحمیلی» نه «به شکل یز ارکننده و دورکننده»، بلکه به شکل «صحیح». امروز یک کتابی آوردند از یک کشور عربی برای من، پیش از اینکه بیایم در این جلسه، که برای یکی از این کشورهای عربی است. کتاب لغت عربی است که با سلیقه خوبی بخش‌هایی از آیات قرآن را به مناسبت ادبیات عرب آورده است. البته این بخت عرب زبانهاست که برای ادبیاتشان می‌توانند از قرآن استفاده کنند. ما البته نمی‌توانیم، چون ادبیات فارسی با قرآن ارتباط مستقیمی ندارد و باید قرآن را برای ما ترجمه کنند، اما به هر حال این یک نیاز است. امروز خوشبختانه حرکت قرآنی در کشور خیلی خوب است، لکن در آموزش و پرورش باید نهادینه شود.

□ نقش معلمان

نقش معلمان نقش مهمی است. یکی از چیزهایی که من خیلی خوشحال شدم که دیدم تقریباً تعداد زیادی از دوستان روی آن تکیه کردند، «مراکز تربیت معلم» است که من هم قبلاً هم به مسئولین قبلی و مسئولین فعلی، راجع به مراکز تربیت معلم سفارش کردم. خیلی مهم است. ما معلم با سواد، معلم مطلع، معلم کاردان و حرفه‌ای در کار خود نیاز داریم. نمی‌شود ما نگاه کنیم هر کسی بیکار است، بگوییم: آقا تو بیا اینجا درس بده، آن هم در رشته‌هایی که خیلی اوقات اصلاً در آن رشته اطلاعی ندارند. ما درس دینی مان را در خیلی از مدارس به کسانی می‌دهیم که هیچ مهارتی در این کار ندارند. این که

درست نیست.

به هر حال دوره خوبی است. خوشبختانه دولت کار و تلاش بر سر کار است. در اهداف انقلاب ما، مسائل گوناگون اساسی مورد توجه است. حداکثر استفاده را باید کرد؛ کسانی که در مقوله آموزش و پرورش دستی دارند و مهارتی دارند، باید در این زمینه همکاری کنند. البته مسئولین محترم باید از این امکانات و توانایی‌ها استفاده کنند تا بتوان بنای مستحکمی برای آموزش و پرورش ساخت. با توجه به تحولی که امروز کشور دارد و آینده‌ای که ما خودمان برای کشورمان، ملت ایران، ترسیم کردیم - که معیارش هم همین «چشم انداز بیست ساله» است و این سند چشم‌انداز چیز بسیار با ارزشی است - با توجه به این آینده باید آموزش و پرورش را تحول دهیم. ما احتیاج به تحول داریم.

به هر حال دیدار خوبی بود، برای ما روز خوبی بود و همانطور که عرض کردم اگر چه از بیانات دوستان استفاده کردیم، ما هم نکاتی را عرض کردیم، لکن هدف اصلی از این دیدار، اظهار ارادت به معلمان و خانواده بزرگ آموزش و پرورش بود که حق آنها، تکریم و احترام گذاشتن است. امیدواریم انشاءالله تلاش شما و همه مسئولین مشمول قبول الهی و توجهات حضرت بقیه‌الله و انشاءالله رضای ارواح مطهر شهیدان و امام بزرگوارمان قرار بگیرد.

و السلام علیکم ورحمة الله

